



Iran's Criminal Policy to Prevent the Victimization of Children and Adolescents in the Law on Protection of Children and Adolescents

Seyed Morteza Mousavi Tabar*

PhD student in Criminal Law and
Criminology, Islamic Azad University,
Maragheh Branch, Tabriz
musavytabar@gmail.com

Seyed Hossein Mousavi Tabar

Master of Private Law, Shahed University,
Tehran
hoseinnnsn@gmail.com

Abstract

In order to carry out its duties in the Constitution of the Islamic Republic of Iran in 1388, the Judiciary drafted a bill to protect children and adolescents which was finally approved and announced in Khordad, 1399 after a lot of struggles. The new law is more important than the law passed in 1381 in improving Iran's criminal policy. Defining the terms used and identifying hazardous situations for children and adolescents in the general law and determining the age of the Minor in accordance with international documents on the rights of the child, as well as determining the substantive criminal and formal protections in its chapters are the special highlights of the Child and Adolescent Protection Act. Iran's criminal policy to prevent child and adolescent victimization is well outlined in this law, which we will examine in this article. The Law on the Protection of Children and Adolescents has been able to outline Iran's criminal policy in dealing with the victimization of children and adolescents.

Keywords: criminal policy, advocacy, victimization, children and adolescents

Received: 06/March /2022

Accepted: 29/June/2022

ISSN: 2783-3631

*Corresponding Author: musavytabar@gmail.com

سیاست جنایی ایران برای پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

سید مرتضی موسوی تبار*
دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، تبریز
musavytabar@gmail.com

سید حسین موسوی تبار
کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شاهد، تهران
hoseinnnsn@gmail.com

چکیده

قوه قضائیه در راستای اجرای وظایف خود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۸۸ به تنظیم لایحه‌ی حمایت از کودکان و نوجوانان اقدام نمود و لایحه‌ی فوق بعد از کش و قوس‌های فراوان بالاخره تحت عنوان قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در خرداد ۹۹ تصویب و ابلاغ گردید. قانون جدید به جهت جامعیت نسبت به قانون مصوب سال ۸۱ از اهمیت به‌سزایی در سیاست جنایی ایران برخوردار می‌باشد. بیان تعاریف اصطلاحات به کار رفته و مشخص نمودن موارد مخاطره‌آمیز برای اطفال و نوجوانان در کلیات قانون و تعیین سن شمول برای تعیین کودکی مطابق با اسناد بین‌المللی حقوق کودکان و نیز تعیین حمایت‌های ماهوی کیفری و حمایت‌های شکلی در فصول آن از برجستگی‌های ویژه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان می‌باشد. سیاست جنایی ایران در قبال جلوگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان در این قانون به خوبی ترسیم شده است که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به خوبی توانسته است سیاست جنایی ایران را در مقابله با بزه‌دیدگی کودکان و نوجوان ترسیم نماید.

کلید واژه‌ها: سیاست جنایی، حمایت، بزه‌دیدگی، کودک و نوجوان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تمامی ادیان الهی، بر این باورند که بشر می‌تواند، بهترین موجود نظام آفرینش باشد، که پیامبران الهی آمده‌اند تا پیام حریت انسان و جایگاه ویژه‌ی او را گوشزد نماید و زمینه‌ی رشد و کمال انسان را از گذر تعالیم و آموزه‌های اخلاقی و معنوی فراهم آورند.

در قرآن کریم تصریح شده است که انسان جانشین خداوند بر روی زمین بوده^۱ و در بهترین صورت و نظام خلق شده^۲ است؛ صاحب تعقل و تفکر است^۳ و تمام آموزه‌های الهی بر فطرت پاک او نازل شده است.^۴ متأسفانه بر خلاف این جایگاه برجسته، بشر در گذر زمان و قرون متمادی، به جهت فزون‌طلبی، از روحی استکباری برخوردار گشته و نقض بسیاری از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی را به نظاره نشسته است. در این میان، کودک به خاطر آسیب‌پذیری فوق‌العاده، همواره در وسط میدان فساد و تباهی، در معرض خطرات و ناگواری‌های گوناگونی چون: بهره‌کشی، بردگی و دیگر رفتارهای غیر انسانی بوده است. درک نادرست بشر از کودک و دوران طفولیت و گاهی هم خبیث و ناپاک دانستن آن، باعث شده بود که سخت‌ترین برخوردها با کودکان امری عادی و مثبت تلقی شده و به دلیل همین نوع نگرش جامعه به کودکان، هرگونه اذیت و آزار و شکنجه‌ی آنان امری مجاز تصور می‌شد (پیوندی، ۱۳۹۰: ۱۸).

به رسمیت شناختن حقوق کودک در جهان، مسیر بسیار سختی را پشت سر گذاشته است در اواخر قرن نوزدهم، به دوره‌ای از تحولات تاریخی می‌رسیم که می‌توان آن را دوران شناسایی حقوق کودک و توجه و احترام به آن نامید. از اواخر قرن سده‌ی نوزدهم به بعد، در اکثر نظام‌های حقوقی، کودکان به عنوان صنفی خاص، موضوع حقوق قرار گرفتند. بعد از جنگ جهانی اول که بخشی از قربانیان آن کودکان بودند، برای حمایت از حقوق انسان اهتمام بسیاری کردند که این رویکرد، به تهیه و تصویب اسناد متعددی در حمایت از حقوق انسان منجر شد. در پی شکل‌گیری این نوع نگرش و فعالیت‌های متناسب با آن، توجه جامعه‌ی جهانی به قشرهای خاصی از افراد، مانند کودکان که نیاز به حمایت خاص و ویژه دارند، جلب شد (پیشین: ۱۸ و ۱۹).

قوانین بسیاری از کشورها بالاخص کشورهای اسلامی که منبعث از احکام اسلامی هستند به کودکان و حقوق آنان توجه ویژه نموده‌اند و در قوانین مختلف از قبیل قانون اساسی، قوانین مدنی و جزایی و قوانین مخصوص این گروه، به مسایل مربوط اشاره کرده‌اند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با تسلط قوانین اسلامی بر مبانی حقوق، با توجه به تعالیم اسلام و اهمیت دوران خردسالی و زندگی جنینی، قانون‌گذار ایران به مسئله‌ی حقوق کودکان به طور خاص توجه کرده است. قانون اساسی به عنوان پایه و اساس حکومت اسلامی ایران، مسائلی کلی و جهت‌گیری‌های اساسی در زمینه‌های مختلف، از جمله آموزش و پرورش رایگان و همگانی در همه‌ی سطوح، به ویژه برای کودکان مطرح کرده است.^۵ توجه ویژه به مادران باردار و کودکان بی‌سرپرست جزو اصول راهبردی قانون اساسی است؛^۶ البته به مسائل دیگری، شامل امور کودکان و نوجوانان، نیز در قانون اساسی به صورت کلی توجه شده است (پیشین: ۱۶۵).

۱. بقره، ۳۰ «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً».

۲. تین، ۴ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ».

۳. در آیات بسیاری از قرآن کریم، به مسأله‌ی عقل و تفکر بشر اشاره شده مانند بقره: ۲۴۲؛ آل عمران: ۶۵ و ۱۸؛ انعام: ۳۲ و...

۴. روم، ۳۰ «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا».

۵. نک: بند ۲ اصل سوم و اصل سی ام قانون اساسی.

۶. بند دوم اصل بیست و یکم مقرر می‌دارد: «... حمایت مادران، به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست..»

برخی از حقوقدانان معتقدند: «اصول حمایت از کودک را می‌توان از طریق ضمیمه کردن آن به قانون اساسی کشور وارد معیارهای قانونی کشور کرد. قانون اساسی یک کشور در برگیرنده‌ی تمام اصول و قواعدی است که بر جامعه حکمفرماست و دستور بنیادینی است که شکل دولت را تعیین کرده و اصول کلی قرارداد اجتماعی یک کشور را بیان می‌کند. قانون اساسی معیاری برای وضع قوانین عادی است، از این رو انتقال اصول حمایت از کودک در قانون اساسی یک کشور بستر لازم برای حمایت از کودکان را فراهم و تکالیف دولت را در این زمینه مشخص می‌کند.» (زینالی، ۱۳۸۸: ۶۱).

در ایران علی‌رغم وجود مقرراتی پراکنده در موضوع حمایت از کودکان در قوانینی همچون قانون مجازات اسلامی، قانون مدنی، قانون حمایت از خانواده، قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست و قانون تامین وسائل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی، فشارها و نیازهای اجتماعی (شرایط اجتماعی موجود به طور کلی) به سمت تدوین و تصویب قانونی خاص حرکت کرده و نهایتاً در شکل قانون «حمایت از اطفال و نوجوانان» ظهور و بروز می‌کند. قانونگذار ما با تصویب ماده‌ی ۱۱۷۳ قانون مدنی و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در ۲۵ آذر ماه ۱۳۸۱ نشان داد که حمایت از اطفال در معرض خطر و بزه‌دیده از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. اما مقررات مزبور فاقد جامعیت و انسجام لازم برای حمایت از این دسته از کودکان و نوجوانان بود. با توجه به خلاء موجود، قوه‌ی قضائیه مبادرت به تنظیم لایحه‌ی حمایت از کودکان و نوجوانان جهت حمایت قضایی از افراد زیر ۱۸ سال در معرض خطر و بزه‌دیده کرد که این امر از رهگذر تعریف مفهوم و احصای مصادیق وضعیت مخاطره‌آمیز، تعریف مفاهیمی همچون سوءرفتار، بی‌توجهی و سهل‌انگاری، بهره‌کشی اقتصادی، فحشا و مستهجن و هرزه‌نگاری، جرم‌انگاری ویژه و تشدید کیفرهای حمایتی، تمهید آیین دادرسی ویژه‌ی اطفال بزه‌دیده، در معرض خطر و شاهد جرم و مواردی دیگر در جهت حمایت از این دسته از کودکان و نوجوانان صورت پذیرفته است.

کودکان که پایه و اساس رشد جسمی، عقلی و اجتماعی آنان، از همان سال‌های نخست زندگی آغاز می‌شود، با توجه به وضعیت خاص خود به لحاظ جسمی و روحی، نیاز به حمایت‌ها و مراقبت‌های ویژه‌ای دارند. لذا حفظ قداست و ارزش دوران کودکی بر عهده‌ی دولتمردان فارغ از هرگونه گرایش سیاسی است و قانونگذار نیز در این زمینه سهمی به سزا دارد. وظیفه‌ی قانونگذار در جهت بخشیدن قدرت اجرایی به بایدها و نبایدها، وضع مقرراتی برای حفظ حقوق افراد جامعه است، بدین سان بررسی عملکرد مقنن ایرانی در حمایت کیفری از کودکان بزهکار و بزه‌دیده، چالش‌های فراروی نهادهای اجرایی را در عملیاتی نمودن مصوبات مجلس آشکار می‌سازد (جوانمرد، ۱۳۸۹: ۲۲۴).

درباره‌ی اسناد بین‌المللی نیز باید مهم‌ترین اسناد در مورد کودکان به پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک مصوب مجمع عمومی ملل متحد در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ و لازم‌الاجرا شده در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ است، اشاره کرد.

پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک به صورت تفصیلی به حقوق کودکان پرداخته است. تاکنون ۱۹۳ کشور و به عبارتی تمام اعضای ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا و سومالی این سند را امضا کرده‌اند. دو کشوری که ثروتمندترین و فقیرترین کشور دنیا هستند، هر یک به دلیل متفاوتی این پیمان‌نامه را امضا نکرده‌اند. برای تایید این قانون در آمریکا رای اکثریت دوسوم نمایندگان مجلس سنای این کشور لازم است. از دید قانونگذاران آمریکا هیچ پیمان و معاهده‌ی بین‌المللی نباید قدرت تاثیرگذاری بر قانون اساسی آمریکا را داشته باشد. سومالی برعکس یک کشور آفریقایی بدون دولت مرکزی قوی و گرفتار جنگ داخلی است. در کنار این دو نمونه، بسیاری از دولت‌ها به این دلیل که برخی از مواد این پیمان‌نامه را با فرهنگ و دین و اعتقادات مردم خود مغایر تشخیص داده‌اند، به صورت مشروط پیمان‌نامه را امضا کرده‌اند و صریحاً گفته‌اند که برخی از مواد آن را اجرا نمی‌کنند. دولت ایران پیمان‌نامه حقوق کودک را در سال ۱۹۹۰ به صورت مشروط امضا کرد. چهار سال بعد در اسفند سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۴) مجلس شورای اسلامی کنوانسیون

حقوق کودک، شامل یک مقدمه و ۵۴ ماده را تصویب کرد و به شورای نگهبان فرستاد. شورای نگهبان در نظریه‌ی شماره‌ی ۵۷۶۰ مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۴ خود ۹ بند و تبصره‌ی کنوانسیون را مخالف با موازین شرع اعلام کرد. مجلس در بررسی مجدد، ماده واحده را به شرح زیر اصلاح کرد: «کنوانسیون حقوق کودک... به شرح پیوست، تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود، مشروط بر این که مفاد آن در هر مورد و در هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد» و مصوبه در شورای نگهبان تایید و به دولت ابلاغ شد.

لایحه‌ی حمایت از کودکان و نوجوانان که ۱۳ سال پیش توسط قوه‌ی قضائیه براساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی به منظور حمایت قضایی از افراد زیر ۱۸ سال در معرض خطر و بزه‌دیده تنظیم شده، بعد از رفت و آمد بسیار بین مجلس و شورای نگهبان نهایتاً در خرداد ۹۹ تحت عنوان قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به تصویب رسید. هر یک از فصول این قانون در راستای حمایت از اطفال و نوجوانان بر مبنای سیاست جنایی در مقابله با بزه‌دیدگی اقدامات منحصر به فردی را پیش‌بینی کرده است که در ادامه به بررسی هریک از آن‌ها خواهیم پرداخت.

پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی حقوق کودکان و نوجوانان مقالات و کتاب‌های متعددی نگارش شده است و در خلال مباحث آن‌ها به بحث پیشگیری از وقوع جرایم پرداخته شده است ولی به طور ویژه بحث پیشگیری از وقوع بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در نوشتار مستقلی مطرح نشده است از آن جمله دکتر جمال بیگی در کتاب بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران در خلال مباحث اشاراتی به بحث پیشگیری نیز نموده است. علی ادیب حاجی باقری نیز امسال در پایان نامه خود به نام «سیاست جنایی تقنینی ایران در حمایت از اطفال و نوجوانان با توجه به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹» به بحث سیاست جنایی پرداخته است ولی به طور ویژه و مستقل بحث بزه‌دیدگی را مطرح ننموده است. امین اکبری نیز در سال ۱۴۰۰ در پایان نامه خود به نام «پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان با کنترل وضعیت مخاطره آمیز از منظر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹» نکاتی را در این زمینه در خلال مباحث مطرح نموده است.

۱- مفاهیم

۱-۱- سیاست جنایی

این اصطلاح را نخستین بار «فوترباخ»^۱ در کتاب «حقوق کیفری» استفاده کرد. از دیدگاه او سیاست جنایی «مجموعه‌ی شیوه‌های سرکوب‌گرایانه‌ای که دولت با استفاده‌ی از آن‌ها علیه جرم (بزه کیفری) واکنش نشان می‌دهد.» می‌باشد (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۱).

۱-۲- بزه‌دیدگی

بزه‌دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد.

طبق علمی‌ترین تعریف از بزه‌دیده که توسط «مندلسون»^۲ در سال ۱۹۶۷ ارائه شده، بزه‌دیده شخصی است که به خاطر وضعیت فردی یا عضویت و وابستگی در یک گروه، متحمل پیامدهای دردآور و مشقت‌بار که فاکتورهایی با ریشه‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی طبیعی دارد، می‌شود (بیگی، ۱۳۸۸: ۴۴).

۱-۳- طفل و نوجوان

طبق بند الف ماده‌ی ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ طفل عبارت است از: «هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است.»

بند ب ماده‌ی ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نوجوان را این گونه تعریف کرده است: «هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است.»

۲- کلیات قانون، برترین کلیات در مقابله با بزه‌دیدگی

کلیات هر قانون و لوایح و طرح‌هایی که در آینده به قانون تبدیل می‌شوند، از مهم‌ترین بخش‌های قوانین هستند. کلیات قانون در واقع اهداف قانون را تبیین می‌کند و از سوی دیگر نکات برجسته‌ای که در جزئیات قانون مورد نیاز می‌باشند را تشریح می‌کنند. یکی از این بخش‌ها که در بسیاری از قوانین، لوایح، طرح‌ها و حتی آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها نیز وجود دارد تعریف اصطلاحات به کار رفته در آن است. این اصطلاحات از آن جهت تعریف می‌گردد تا تشریح کننده‌ی کلمات باشند تا در جزئیات به ارتباط کلمات با هم کمک کنند. چنان که در برخی از قوانین موجود کشور عدم تعریف دقیق از برخی اصطلاحات مشکلات متعددی را به وجود آورده است.

کلیات قانون حمایت از اطفال و نوجوانان را می‌توان یکی از جامع‌ترین کلیات‌ها در قوانین کشور دانست. این کلیات در ۳ ماده‌ی به تشریح ۳ نکته اساسی پرداخته است. ماده‌ی نخست به تعریف اصطلاحات به کار رفته پرداخته است. ماده‌ی دوم را هم به نوعی می‌توان تعریف حساب کرد. این ماده علی‌رغم تاکید بندهای الف و ب در تعریف طفل و نوجوان، با بیان این که «تمام افرادی که به سن هجده سال تمام شمسی نرسیده‌اند، مشمول این قانون می‌باشند.» بر هدف قانونگذار در پیروی از معیار سنی مطابق با اسناد بین‌المللی تاکید کرده است. ماده‌ی سوم نیز در ۱۴ بند موارد مخاطره‌آمیز برای کودک و نوجوان را بر شمرده و در واقع بیان داشته است که کودکان و نوجوانان در مقابل این موارد مخاطره‌آمیز بیشتر نیازمند حمایت هستند.

۱-۲- تعریف اصطلاحات به کار رفته

بخش نخست کلیات قانون به تعریف برخی از اصطلاحات پرداخته است. برخی از این اصطلاحات برای نخستین بار در حوزه‌ی کودکان به کار برده شده‌اند و نشان از تغییر سیاست جنایی ایران در رویه‌ی مجهول‌نویسی قوانین می‌باشند. تاکنون قوانین تصویب‌شده، بسیار کلی‌گویی می‌نمودند و لازم می‌بود که آیین‌نامه‌هایی خاص به تشریح مفاد آن‌ها پردازند اما این قانون در سبک نگارش خود نشان از تغییری داشت که قانونگذار تلاش کرده است تا به طور کامل به تشریح موارد مورد نیاز پردازد. این نکته به طور کامل در مقایسه این قانون با قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۸۱ مشهود است.

یکی از اصطلاحات به کار رفته در این قانون سوءرفتار است که سابقه‌ی استفاده از آن پیش‌تر در حوزه‌ی حقوق خانواده و روابط بین زن و مرد مطرح بود اما استفاده از آن در حوزه‌ی کودکان برای نخستین بار در این قانون اتفاق افتاده است.

بند ت ماده‌ی ۱ قانون، سوءرفتار را چنین تعریف می‌کند: «هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قراردهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده‌ی جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه‌ی تأدیبی نداشته باشد یا قراردادن او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از کمک به وی.»

کودکان و نوجوانان به دلیل شرایط و وضعیت خاص سنی و جسمی در صورت مواجهه با چنین رفتارهایی در معرض بیشترین آسیب‌ها و صدمات قرار می‌گیرند. این گونه اعمال براساس مقتضیات زمانی و مکانی و بنا بر نوع و میزان صدماتی که بر کودکان وارد می‌نمایند متفاوت بوده و بر همین مبنا نیز واکنش جامعه و به تبع آن واکنش قانونگذار را به دنبال دارند. این سوءرفتارها می‌تواند برخاسته از عمد و سوء نیت عامل و یا مسامحه و سهل‌انگاری او در انجام وظیفه و یا نگهداری از کودکان باشد (روشن فر، ۱۳۸۵: ۴).

پیش‌تر در کتاب‌های فقهی و حقوقی و برخی قوانین دیگر اصطلاحات تنبیه، کودک‌آزاری و ... استفاده شده بود که هیچ یک جامع و مانع نبود اما اصطلاح اخیر را که می‌توان از ابداعات خوب قانون‌نویسان این قانون دانست، اصطلاحی جامع و مانع است و تمامی آن اصطلاحات را در خود پوشش می‌دهد. هر چند اصطلاح کودک‌آزاری نیز اصطلاحی جامع است و در قانون مصوب ۸۱ و در ماده ۵ به آن اشاره شده بود اما اصطلاح سوءرفتار یک فرق اساسی با آن می‌تواند داشته باشد. به نظر نگارندگان از اصطلاح کودک‌آزاری بیشتر آزارهایی که نمود خارجی دارند چون ضرب و جرح، سوءاستفاده جنسی و ... به ذهن متبادر می‌شود اما اصطلاح سوءرفتار علاوه بر این که آزارهایی خارجی را پوشش می‌دهد آزارهای روانی و روحی را نیز پوشش می‌دهد. برای مثال قهر خارج از حد پدر و مادر با فرزند را شاید نتوان کودک‌آزاری دانست ولی این را می‌توان یک رفتار سوء دانست.

بند ۱ ماده ۱ قانون در تعریف بهره‌کشی اقتصادی بیان می‌دارد: «به کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد.»

اصطلاح بهره‌کشی اقتصادی نیز همچون سوءرفتار اصطلاحی جامع بوده و همان‌گونه که در تعریف نیز مشخص است حوزه‌ی وسیعی از برخوردها را با کودک شامل می‌شود.

این اصطلاح در قانون پیشین حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ در کنار اصطلاح‌های خرید و فروش و ... به کار رفته بود. ماده ۳ قانون سال ۸۱ چنین مقرر داشته: «هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.»

یکی از نویسندگان در نقدی که بر قانون سال ۸۱ نگاشته بیان می‌دارد که واژه‌ی بهره‌کشی در ماده‌ی فوق مبهم است. آیا مراد به کارگیری کودکان بدون پرداخت مزد است؟ یا این که استخدام کودک با پرداخت اجرت بسیار کم را نیز در برمی‌گیرد. به ویژه اگر اشتغال به کار با مزد کم با رضایت کودک بالغ و رشید یا اولیای وی صورت گرفته باشد نیز حکم ماده روشن نخواهد بود. (ظاهری و موسوی مقدم، ۱۳۸۲: ۳۸۷).

همان‌گونه که مشخص شد قانون‌گذار، نخست با تعریف اصطلاحات تلاش کرده ابهام را از آن‌ها بزدايد، لذا همان‌گونه که مشخص است تعریف فوق در راستای برطرف کردن عیب‌های قانون قبلی برآمده است و با بیان کامل هم انتقاد وارده فوق را پوشش داده و هم نکات دیگری را متذکر شده است.

در خصوص بهره‌کشی و کار کودک قوانین متعددی به تصویب رسیده و نیز از بحث‌های مهم مورد توجه در اسناد بین‌المللی مربوط به کودکان و نوجوان نیز می‌باشد.

برای نمونه، در ماده‌ی ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک، به کار کودک و سن و شرایط کار کودکان توجه شده است و از دولت‌ها خواسته شده است که باید از استثمار اقتصادی کودک و هرگونه کاری که برایش زیان‌بار بوده و یا موجب توقف در تحصیل او شده و یا برای بهداشت جسمی، روحی، اخلاقی و اجتماعی او مضر باشد، جلوگیری

نمایند و برای تأمین این منظور، حداقل سن و حداکثر ساعات کار و سایر ضمانت‌اجراهای آن را تصویب و به اجرا درآورند (پورقهرمانی، ۱۳۸۳: ۷۶).

در قوانین ایران بر اساس ماده‌ی ۷۹ قانون کار، به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است و حتی در مواد دیگری نیز در مورد کار کردن کودکان دارای سنین ۱۸ سال و بالاتر نیز شرایط تعیین کرده است که می‌توان به توان کودک و یا نوجوان ۱۸ ساله در انجام کار فیزیکی به عنوان یکی از این موارد اشاره کرد. علاوه بر این اصطلاحات دیگری چون معامله، فحشاء، مبتذل، هرزه‌نگاری و ... تعریف شده‌اند که سابقه‌ی استفاده از آن‌ها در قوانین دیگر وجود داشته و با حوزه‌ی کودکان و نوجوانان نیز مرتبط گشته است.

۲-۲- حدود و ثغور کودکی و تعیین سن شمول

بحث دیگر در حوزه‌ی کلیات این قانون بحث در خصوص سن شمول است که مطابق با اسناد بین‌المللی سن ۱۸ سال را برای شمول مفاد این قانون تعیین نموده و طفل و نوجوان را در سن زیر ۱۸ سال تعیین نموده است.

یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مباحث در حوزه‌ی حقوق اطفال، شناخت حدود و صغور کودکی است. در واقع شناختن سنی که بتوان شخص را کودک (طفل) و نوجوان خطاب کرد به جهت آن که دیدگاه‌های متفاوتی در فقه و قوانین و اسناد بین‌المللی مطرح شده است باعث شده، معیار دقیق برای کودکان شناخته نشود و هر دیدگاه با معیارهای خاص خود کودک و نوجوان را با بزرگسال تمیز دهند.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به پیروی از بسیاری از اسناد بین‌المللی در ماده‌ی ۲ خود کسانی را که سن آن‌ها به ۱۸ سال تمام شمس‌ی نرسیده است مشمول این قانون دانسته است.

به هر نحو باید بررسی کرد که آیا این دیدگاه در خصوص سن کودکی و نوجوانی دیدگاه صحیحی است یا خیر؟ اینکه معیار پایان دوره‌ی کودکی چیست نیز از دیدگاه‌های مختلف از قبیل قرآن و روایات ائمه، فقه اسلامی اعم از فقه شیعه و سنی، کنوانسیون حقوق کودک و از دیدگاه قانون مدنی ایران و برخی قوانین دیگر قابل بررسی است. قرآن کریم در سوره‌های نور: ۵۹؛ نساء: ۶؛ انعام: ۱۵۲؛ یوسف: ۲۲؛ اسراء: ۲۴؛ کهف: ۸۲؛ حج: ۵؛ قصص: ۱۳؛ نمل: ۶۶؛ احقاف: ۱۵ به این موضوع اشاره نموده و در مجموع سه معیار: بلوغ الحلم، بلوغ النکاح و بلوغ اشد را ذکر کرده است. با توجه به این معیارها می‌توان گفت مسأله‌ی بلوغ در قرآن کریم با تعبیراتی مختلف آمده و سن مشخصی را به عنوان سن بلوغ ذکر نکرده است. همچنین در امر بلوغ هم به رشد جسمی و هم به رشد روحی و عقلانی توجه نموده است.

از روایات ائمه‌ی شیعه در این زمینه نیز استفاده می‌شود که اولاً، معیار بلوغ چه در مورد پسران و چه در مورد دختران بر مبنای تکوین شخصیت فرد و قبول مسئولیت در زمینه‌های مختلف می‌باشد. ثانیاً، معیار اصلی برای بلوغ کودک، رشد و تکامل جسمی و جنسی و اندام‌های تناسلی است که معیار آن در پسران احتلام و در دختران عادت ماهانه است. ثالثاً، در روایات حدّ، سن بلوغ پسر از ۱۳ تا ۱۶ سال و دختر از ۹ تا ۱۳ سال است که می‌توان آن را اماره‌ی بلوغ نیز تلقی نمود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱: ۲۹).

در کشور ما نیز در بسیاری از موارد سن مسئولیت‌گیری با سن بلوغ جسمی مساوی گرفته می‌شود، مساوی دانستن سن بلوغ جسمی با سن مسئولیت‌گیری برداشتی است که قابل دفاع نیست، زیرا چگونه می‌توان در سایر مقررات کودکان را تا رسیدن به سن ۱۸ سالگی از رفتن به سربازی، گرفتن گذرنامه و سایر حقوق اجتماعی محروم دانست و حق استیفاء را برای آنان تا حد بزرگسال قایل نبود اما به محض ارتکاب جرم آنان را مانند بزرگسالان به مجازات محکوم کنیم (راعی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۶).

با توجه به ماده‌ی ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ و در نظر گرفتن تبصره‌ی یک ماده‌ی ۱۲۱۰ قانون مدنی، می‌توان گفت کودک قبل از بلوغ شرعی یعنی پسر قبل از رسیدن به ۱۵ سال تمام قمری و دختر قبل از رسیدن به ۹ سال تمام قمری مسئولیت کیفری ندارد و بعد از این سن در صورت ارتکاب جرم مسئولیت کیفری دارند. به نظر می‌رسد قانون‌گذار دو نکته را مورد توجه قرار نداده، اولاً این که بلوغ امری تکوینی است نه تشریحی و تعبدی و ثانیاً سن مسئولیت کیفری با سن تکلیف عبادی (بلوغ) متفاوت است و در مسئولیت کیفری علاوه بر بلوغ، رشد فکری و روانی یعنی رشدی که بتواند مسئولیت کیفری را درک کند، نیز باید در نظر گرفته شود (پیشین: ۱۰۹).

از آنجایی که حقوق موضوعه‌ی ایران در این زمینه از فقه امامیه نشأت گرفته است، زمان شروع و پایان کودکی به همان نحوی که در فقه امامیه مطرح است، در قوانین ایران نیز انعکاس دارد. بنابراین، مبحث حاضر را اجمالاً در دو بخش مورد بحث قرار می‌دهیم:

الف) شروع کودکی: ممکن است از ظاهر ماده‌ی ۹۵۶ قانون مدنی که مقرر داشته «اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود» چنین برداشت شود که در حقوق ایران شروع کودکی با تولد تحقق می‌یابد.

اما با اندک تأملی واضح می‌گردد که این فرض را باید از ذهن زدود. زیرا در ماده‌ی ۹۵۷ قانون مدنی آمده است که: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد، مشروط به این که زنده متولد شود.»

در ماده‌ی ۹۵۸ قانون مدنی آمده: «بنابراین حمل (جنین) قبل از تولد از کلیه حقوق که هر انسان می‌تواند صاحب شود، برخوردار است. لیکن نمی‌تواند حقوق خود را استیفا کند و اجرا نماید». این ماده نشان‌دهنده‌ی آن است که شروع کودکی را باید در زمانی قبل از تولد مفروض دانست و مبدأ آن را از زمان انعقاد نطفه گرفت.

لذا ماده‌ی ۹۵۶ قانون مدنی در مقام اعلام شروع زمان کودکی نیست بلکه آنچه در این ماده آمده اعلام این مطلب است که اهلیت حمل برای تمتع از حقوق مدنی معلق است و با زنده متولد شدن، قطعی می‌گردد.

همچنین ماده‌ی ۸۷۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «شرایط وراثت، زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حاملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه‌ی او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد.» ماده‌ی ۸۵۱ قانون مدنی که مقرر داشته است: «وصیت برای حمل صحیح است، لیکن تملک او منوط است بر اینکه زنده متولد شود». با توجه به موارد فوق ثابت می‌شود که در حقوق ایران نیز مانند فقه اسلامی، شروع دوران کودکی از زمان انعقاد نطفه است و گرنه معنی نداشت شروع آن را زمان تولد بگیریم اما برای قبل از تولد قائل به حقوقی می‌شویم که اختصاص به انسان زنده دارد.

ب) پایان دوره‌ی کودکی در قوانین ایران: قبل از آن که ماده‌ی ۱۲۱۰ قانون مدنی در سال ۶۱ دستخوش اصلاح شود به موجب ماده‌ی مرقوم، سن بلوغ ۱۸ سالگی بود و بنابراین کسانی که زیر ۱۸ سال بودند، صغیر محسوب می‌شدند و نظر به ماده‌ی ۱۲۰۷ قانون مدنی از تصرف در اموال و حقوق مالی خود محروم بودند.

واضعین قانون مدنی این سن را اماره‌ی رشد قرار داده بودند و رسیدن به ۱۸ سالگی دلیل بر رشید بودن فرد بود مگر اینکه خلاف آن ثابت می‌گردید. در اصلاحی که در سال ۱۳۶۱ از ماده‌ی ۱۲۱۰ به عمل آمد، این ماده این گونه تغییر یافت: «هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد، محجور نمود مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.»

در تبصره‌ی یک این ماده چنین آمده: «سن بلوغ در پسر ۱۵ سال و در دختر ۹ سال تمام قمری است» که این برگرفته از نظر اکثر فقهای امامیه است و برخی ادعای اجماع نموده‌اند که البته این اجماع را نمی‌توان دلیل مستقلی به حساب آورد زیرا روایات مدرک این آرا و نظریات است و اجماع، مدرکی است که هیچ‌گونه ارزشی ندارد.

تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۲۱۰ می‌گوید: «اموال صغیری را که بالغ شده، در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد». چنان‌که پیداست بین ماده و تبصره‌ی آن تعارض وجود دارد. زیرا طبق ماده، سن بلوغ اماره رشد است و حال آن‌که طبق تبصره‌ی ۲، رشد نیاز به اثبات دارد و صرف رسیدن به بلوغ کافی نیست.

علت تعارض این است که ماده‌ی ۱۲۱۰ قانون مدنی با همان ترکیب سابق حفظ شده و تنها به جای ۱۸ سالگی تمام، سن بلوغ را قرار داده است، غافل از این که در واقع قانون مدنی سن رشد و بلوغ را در هم آمیخته و حال آن‌که در اصلاحیه‌ی سال ۶۱، سن بلوغ، غیر از سن رشد است.

به عبارت دیگر «صغیر پس از رسیدن به سن بلوغ و اثبات رشد می‌تواند نسبت به اموالی که از طریق انتقالات عقدی یا قهری قبل از بلوغ مالک شده، مستقیماً تصرف و مداخله نماید و قبل از اثبات رشد از این نوع مداخله ممنوع است.» با توجه به این مباحث این سؤال مطرح می‌شود که از نظر حقوق فعلی ایران، با توجه به ماده‌ی ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره‌های آن پایان کودکی، رسیدن به سن بلوغ است یا بعد از اثبات رشد؟ آیا صرف رسیدن به ۹ سالگی در دختران و ۱۵ سالگی در پسران به معنای پایان کودکی است اگرچه هنوز رشید بودن آن‌ها اثبات نشده باشد؟

به نظر می‌رسد که پایان کودکی، سن بلوغ است زیرا اولاً، صغر کودکی چنان‌که ذکر شد در مقابل بلوغ شرعی قرار دارد و از نظر عرفی به کسی که به سن بلوغ رسیده، صغیر نمی‌گویند. ثانیاً در تبصره‌ی یک ماده‌ی ۴۹ قانون مجازات سابق مصوب ۱۳۷۰ در تعریف طفل آمده بود: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد». همین مبنا در بند الف ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز بیان گردیده است. بنابراین ملاک را بلوغ قرار داده‌اند نه رشد و بلوغ نیز گاهی به سن و گاهی با ظهور علایم آن می‌باشد که در زن، حیض، حمل، احتلام، انبات و رویدن مو در شرمگاه و بزرگ شدن پستان‌ها و در مرد نیز همراه با علایمی همچون احتلام، توانایی باردار کردن، خروج اسپرم و منی، رویدن موی خشن برعانه، بم شدن صدای فرد و... همراه است که ظهور این نشانه‌ها با توجه به محیط طبیعی، جغرافیایی، مذهبی در سنین مختلف اتفاق می‌افتد که برای تفصیل باید به کتب پزشکی و روان‌شناسی مراجعه کرد. ثالثاً طبق نص ماده‌ی ۱۲۱۰ قانون مدنی: «رسیدن به سن بلوغ به معنای خروج از محجوریت است و با توجه به اینکه طبق بند یک ماده‌ی ۱۲۰۷ قانون مدنی صغار محجور شناخته شده‌اند از تقابل ماده‌ی ۱۲۱۰ و بندیک ماده‌ی ۱۲۰۷ قانون مدنی معلوم می‌گردد که در واقع صغیر محجور در مقابل بالغ غیر محجور است و بنابراین غیر از آن است». پس با توجه به موارد فوق، در حقوق ایران، پایان کودکی همان زمان بلوغ است و رشد در آن تأثیر ندارد.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در ماده‌ی ۸۸ و ۱۴۷ در خصوص سن صحبت شده است. در ماده‌ی ۸۸ مواردی که دادگاه باید درباره‌ی آن اتخاذ تصمیم کند در صورتی اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری شده و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی باشد بیان می‌دارد و در ماده‌ی ۱۴۷ به صراحت بیان می‌کند: «سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال قمری است.» بند ب ماده‌ی ۱ نیز نوجوان را هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است، می‌داند.

۳- موارد مخاطره‌آمیز برای اطفال و نوجوانان

بحث بعدی در کلیات قانون بیان موارد مخاطره‌آمیز است که بدون شک یکی از نقاط قوت این قانون می‌باشد. در این قسمت بی‌سرپرستی طفل و نوجوان و یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و شرعی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن است؛ ابتلاء هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به بیماری یا اختلال‌های رفتاری، روانی یا شخصیتی و یا بیماری جسمی واگیردار و صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی؛ زندانی

شدن هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی؛ ابتلاء هر یک از آنان به اعتیادهای زیان‌آور نظیر مواد مخدر، روانگردان و قمار؛ قوادی و یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا توسط هریک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی و یا اشتها آن‌ها به فساد اخلاق و فحشاء؛ خشونت مستمر والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر؛ عدم اقدام برای ثبت واقعه‌ی ولادت یا عدم اخذ اسناد سجلی یا هویتی برای طفل یا نوجوان بدون عذر موجه؛ بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل؛ طرد شدن طفل و نوجوان از سوی خانواده؛ کم توانی جسمی یا ذهنی کودک و نوجوان، ابتلاء وی به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی؛ نقض قوانین جزائی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان و یا استفاده از آن‌ها در فعالیت‌های مجرمانه، وارد شدن یا وارد کردن طفل یا نوجوان در فعالیت‌هایی نظیر تکدی‌گری و قاچاق و همچنین اعتیاد آنان به مواد مخدر، روان‌گردان یا مشروبات الکلی؛ هرگونه وضعیت زیانبار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یا بی‌تابیتی؛ فرار مکرر از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان؛ سوء رفتار نسبت به طفل و نوجوان و یا بهره‌کشی از او به عنوان موارد مخاطره‌آمیز برای اطفال و نوجوانان مطرح گردیده است که نشان از دقت و توجه بسیار زیاد قانونگذار به احصای موارد مخاطره‌آمیز می‌باشد.

۴- سیاست جنایی و حمایت ماهوی از اطفال و نوجوانان در مقابل بزه‌دیدگی

غالب حمایت‌های مقنن از طفل بزه‌دیده به صورت حمایت‌های کیفری در قانون مجازات اسلامی جلوه‌گر شده است. با این وجود مقنن در خصوص مجرمی که طفلی را قربانی جرم خود قرار دهد، رویه‌های متفاوت در نظر گرفته است. گاه کودک بزه‌دیده را موجب تخفیف مجازات و گاه از موجبات تشدید مجازات دانسته است و سرانجام در مواردی به منظور حمایت ویژه از اطفال، ارتکاب اعمالی را که در حق بزرگسالان جرم نیست، در حق کودکان جرم دانسته است.

در ماده‌ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقنن از طریق ساز و کار کیفیات مشدده، حمایت از اطفال بزه‌دیده را تقویت می‌کرد به طوری که اگر فرد ربوده شده زیر ۱۵ سال داشته باشد، مجازات تشدید می‌شد. این نوع حمایت افتراقی از طفل در برابر جرم است. اما در قوانین ایران، با وضع جرایم خاص که می‌توان در قانون مجازات اسلامی مشاهده کرد نیز از اطفال بزه‌دیده حمایت به ظاهر ویژه‌ای صورت گرفته است. قانونگذار تلاش نموده تا نظر حمایتی خاص خود از اطفال را در عنوان فصل هفدهم قانون مجازات اسلامی القاء نماید لذا عنوان این فصل به «جرایم علیه اشخاص و اطفال» اختصاص یافته است. همچنین ماده‌ی ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ اشاره به حمایت افراد واجب‌النفقه داشت که عدم پرداخت آن ممکن است زمینه‌ی فساد فرزندان را نیز فراهم کند که این می‌تواند مصداق حمایت از اطفال در معرض خطر در نظر گرفته شود و سرانجام ماده‌ی ۷۱۳ که در آن گماردن صغار به تکدی، جرم‌انگاری شده بود.

مقنن در یک مورد خاص نیز تحت ادبیات جرم کلاهبرداری اما بدون توجه به ارکان تشکیل دهنده‌ی جرم، صرف سوءاستفاده از ضعف نفس فرد غیر رشید را که با اخذ نوشته‌های بهادار از او موجب ضرر به وی می‌شود، در ردیف کلاهبرداری دانسته و در ماده‌ی ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مورد جرم‌انگاری قرار داده بود (جوانمرد، ۱۳۸۹: ۲۳۹).

همان‌گونه که مشخص است قوانین مخصوص کودکان و نوجوانان در داخل قانون مجازات فاقد جامعیت است لذا در رویکردهای نوین، راهکار نسبتاً جدید، جرایم علیه کودکان در قالب یک قانون خاص آورده می‌شود. این قوانین خاص که با عناوینی مانند «قانون حمایت از کودکان»، «قانون حقوق کودک» و «قانون کودکان و نوجوانان»، با دو

شیوه‌ی تدوین تصویب شده‌اند: برخی از آن‌ها به طور اختصاصی یک قانون راجع به هر سه گروه اطفال بزه‌کار، در معرض خطر و بزه‌دیده را شامل می‌شود. در این زمینه می‌توان به قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۹۹۵ جمهوری تونس اشاره کرد. در این قانون حمایت کیفری از کودکان در برابر بزه‌دیدگی در کنار حمایت از اطفال بزه‌کار و در معرض خطر پیش بینی شده است. قانون درمان و پیشگیری از کودک‌آزاری آمریکا (مصوب ۱۹۷۲ و اصلاحی ۱۹۹۶) ضمن تعریف کودک‌آزاری، تدابیر کیفری و غیر کیفری مقابله با آن را پیش بینی کرده است (زینالی، ۱۳۸۸: ۷۶). این قانون نیز بیشتر با رویکرد حمایت کیفری از کودکان و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده تدوین شده است چنان که بیشتر مواد آن در فصل سوم در خصوص جرایم و مجازات‌ها ساماندهی شده است.

در این راستا قانون‌نویسان انجام اعمال و افعال زیر در خصوص کودکان و نوجوانان را جرم تلقی و برای آنان مجازات تعیین نموده، به این نحو به صورت ماهوی از کودکان و نوجوانان حمایت نموده است.

جلوگیری از تحصیل طفل و نوجوان، تهدید، ترغیب، تشویق یا فریب طفل و نوجوان به فرار از خانه یا مدرسه و یا ترک تحصیل و یا تسهیل یا فراهم کردن موجبات این اعمال، بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت نظامات از سوی والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان یا اشخاصی که مراقبت از طفل و نوجوان را بر عهده دارند و یا در امور مربوط به اطفال و نوجوانان فعالیت می‌نمایند، عمل منافی عفت با کودک و نوجوان، ارائه‌ی موضوعات و مضامین مستهجن یا مبتذل به کودکان و نوجوانان، معامله و خرید و فروش طفل و نوجوان و یا بهره‌کشی از او، خرید و فروش، قاچاق و یا انتقال اعضاء و جوارح طفل و نوجوان، فراهم کردن موجبات ارتکاب بزه خودکشی اطفال و نوجوانان با اکراه یا اجبار یا تحریک، ترغیب، تشویق، فریب یا آموزش شیوه، ازدواج با کودک و نوجوان بدون رعایت نظامات، عدم اعلام کردن اطلاع از وقوع جرم علیه کودک و نوجوان به مراجع صالح، افشاء مشخصات و هویت کودک و نوجوان بزه‌دیده یا در معرض خطر در غیر از موارد قانونی یا تصمیمات قضایی، از طریق رسانه‌های گروهی و یا توزیع، تکثیر، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن از او، به کارگیری یا استفاده از کودک و نوجوان در ارتکاب جرم و یا تسهیل، فراهم کردن موجبات ارتکاب، آموزش دادن شیوه‌ی ارتکاب جرم، تحریک، ترغیب، تشویق یا فریب دادن آنان به ارتکاب رفتار مجرمانه که منجر به وقوع جرم شود، به عنوان اعمال مجرمانه علیه کودکان و نوجوانان معین و برای آن اعمال مجازات مقرر نموده است.

۵- سیاست کیفری و حمایت شکلی از اطفال و نوجوان

قانونگذار در کنار یک کلیات غنی و نیز حمایت‌های ماهوی و کیفری از اطفال و نوجوانان در دو فصل از قانون نیز به حمایت شکلی از اطفال و نوجوانان پرداخته است. در یک فصل از قانون به بیان تشکیلات اداری برای حمایت از اطفال و نوجوانان پرداخته و طی آن به تاسیس نهادی جدید تحت عنوان «دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان» اقدام نموده است و طی موادی به ذکر وظایف آن پرداخته و طی مواد بعدی به ذکر وظایف برخی از نهادها از جمله سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی، سازمان زندان‌ها و ... در راستای حمایت از اطفال و نوجوانان پرداخته است.

در فصل پایانی نیز در بیان یکی دیگر از شیوه‌های حمایت شکلی به بحث تحقیق، رسیدگی و تدابیر حمایتی پرداخته است.

اصولاً طفل بزه‌دیده، انسانی است که یکی از حقوق وی توسط بزرگسالان مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته است. احقاق مجدد چنین حقی و دفاع از آن، در اغلب موارد نیاز به اقامه‌ی دعوی دارد و چون در اغلب موارد ارتکاب جرم علیه آنان از ناحیه‌ی والدین و سایر سرپرستان قانونی آن‌ها صورت می‌گیرد، به جهت ذینفع بودن خود، از مراجعه به مراجع قضایی امتناع می‌نمایند و بدین ترتیب عملاً در تکرار بزه‌دیدگی اطفال نقش موثری را ایفا می‌نمایند. کما این

سید مرتضی موسوی تبار و سید حسن موسوی تبار، سیاست جنایی ایران برای پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در قانون... ۳۱

که ترتیب اثر ندادن به اظهارهای اطفال بزه‌دیده، با این توجیه که کودک هستند و از روی احساسات صحبت می‌کنند به این معضل دامن می‌زند. بنابراین حمایت از اطفال بزه‌دیده در مرحله‌ی دادرسی جلوه‌های مختلفی دارد که این فصل درصدد تسهیل این موارد می‌باشد.

نتیجه‌گیری

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به خوبی توانسته است سیاست جنایی ایران را در مقابله با بزه‌دیدگی کودکان و نوجوان ترسیم نماید. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۸۱ نیز نگاه بسیار خوبی به حمایت از اطفال و نوجوان داشته است اما به جهت کلی‌گویی بسیاری از موارد در لابه‌لای کلمات پنهان شده و به مقصود نرسیده بود به همین جهت در واقع می‌توان این قانون را تفسیری بر قانون مصوب ۸۱ دانست که هم آن قانون را در خود پوشش داده و هم اهداف سایر قوانین کیفری موجود در حمایت از اطفال و نوجوانان را به مقصود رسانده است. این قانون با تعریف به جای اصطلاحات به کاررفته و تعیین دقیق سن شمول و بیان موارد مخاطره‌آمیز درصدد است تا شیوه‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی را تبیین و تفسیر کند و به نظر می‌آید در این زمینه نیز موفق شده و در سیاست جنایی ایران به عنوان یک قانون پیشرو در حوزه حقوق اطفال و نوجوانان قرار دارد.

منابع

- ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۳۶۵). *المهذب البارع فی شرح المختصر المنافع*، ج ۲، قم: موسسه نشر الاسلامی.
- بوریکان، ژاک. (۱۳۸۵). اطفال «بزهکار» و «بزه‌دیده» در حقوق فرانسه، *آموزه‌های حقوقی (الهیات و حقوق)*، (۱)، ۴۱-۶۰.
- بیگی، جمال. (۱۳۸۸). *بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران*، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- پور قهرمانی، بابک. (۱۳۸۳). نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن، *رواق اندیشه*، ۴(۲۸)، ۶۷-۸۴.
- پیوندی، غلامرضا. (۱۳۹۰). *حقوق کودک*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جوانمرد، بهروز. (۱۳۸۹). بررسی جایگاه حمایت‌های کیفری از کودک در نظام تقنینی ایران و چالش‌های مرتبط با آن، *مجله کانون وکلای دادگستری مرکز*، ۲۰۸ و ۲۰۹، ۲۲۳-۲۶۰.
- راعی، مسعود، عاشوری، ناد علی و مالکی خروشانی، فاطمه. (۱۳۸۸). سن مسئولیت کیفری کودک و عدالت حقوقی از منظر فقه و حقوق اسلامی، *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)*، ۵(۱۵)، ۷۵-۱۱۲.
- روشن فر، عزیز. (۱۳۸۵). *حمایت کیفری ایران در قبال سوءرفتار با کودکان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.
- زینالی، امیر حمزه. (۱۳۸۸). جهانی شدن اصل حمایت ویژه از کودکان، *رفاه اجتماعی*، ۹(۳۵)، ۵۱-۸۷.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ ق.). *مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*، ج ۶، قم: موسسه معارف اسلامی.
- ظاهری، علی رضا و موسوی مقدم، محمد. (۱۳۸۲). *مجموعه‌ی دیدگاه‌های حقوقی و قضایی قضات دادگستری استان تهران و ...*، ج ۳، تهران: معاونت آموزش دادگستری استان تهران.
- قاسم زاده، سید مرتضی و صفایی، سید حسین. (۱۳۸۵). *حقوق مدنی اشخاص و محجورین*، تهران: نشر سمت.
- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵.
- قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.
- قانون مدنی.
- قرآن کریم.
- لازرز، کریستین. (۱۴۰۰). *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۳ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، ج ۲، قم: انتشارات اسماعیلیان.
مرعشی، سید محمد حسن. (۱۳۷۹). نظرات فقهی و حقوقی در خصوص قضاوت زن از دیدگاه اسلام (بلوغ و رشد)، *ددرسی*، ۴(۲۱)، ۳-۵.

معین، محمد. (۱۳۸۳). *فرهنگ فارسی*، تهران: نشر سرایش.
موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۱). بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی در قوانین ایران برای بهره‌برداری از حقوق مربوطه، *پژوهش‌نامه متین*، ۲۱، ۲۷-۶۰.

